

جغرافیای جامع شاهنامه فردوسی

تألیف:

دکتر خاور قربانی

عم هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

دکتر حمیرا زمردی

عم هیأت علمی دانشگاه تهران



- سرشناسه: قربانی، خاور، ۱۳۵۹ -
- عنوان قراردادی: شاهنامه، برگزیده، شرح
- عنوان و نام پدیدآور: جغرافیای جامع شاهنامه فردوسی/تألیف خاور قربانی، حمیرا زمردی؛ زیر نظر معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی
- مصادقات نشر: تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶.
- مشخصات نشر: ۲۳۱ ص.
- فراخ: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ ۴۳۸.
- شابک: ۸-۱۱-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸-۱۵۰۰۰ تومان
- وضعیت فهرست نویسی: فیا
- موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۱۶-۴۱۶ ق. شاهنامه -- نام‌های جغرافیایی
- موضوع: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh - Names, Geographical
- موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۱۶-۴۱۶ ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر
- موضوع: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh - Criticism and Interpretation
- موضوع: نام‌های جغرافیایی در ادبیات
- موضوع: Names, Geographical, in Literature
- موضوع: شعر فارسی -- قرن ۴ ق. -- تاریخ و نقد
- موضوع: Persian Poetry -- 4th century -- History and Criticism
- شناسه افزوده: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه . برگزیده . شرح
- شناسه افزوده: زمردی، حمیرا، ۱۳۴۷ -
- شناسه افزوده: دانشگاه علامه طباطبائی.
- رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ق ۴/ن PIR۴۴۹۷
- رده‌بندی دیوئی: ۸ فا ۱/۲۱
- شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۴۹۷۹۵

جغرافیای جامع شاهنامه فردوسی

تألیف

کتر خاور قربانی

دکتر همیرا زدی

زیر نظر معاونت پژوهش دانشگاه

شایک: ۸-۲۸۱-۷-۱۶۰۱-۹۷۸

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی

ویراستار: عصمت دری‌کوند سریراستار: ناز، فرمانی انوشه

صفحه‌آرا: مریم زندی نمایه‌ساز: ماجد لیل‌نژاد

طراح جلد: رسول خسرو بیگی ناظر فنی: رضا سیوی

مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ تهران، بزرگراه شهید همت،
دهکده المپیک، میدان ورزش

تلفن مرکز انتشارات: ۴۴۷۳۷۵۶۰ صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۳۴۸۷

چاپ اول ۱۳۹۶ شمارگان: ۵۰۰ قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۷	۱. مراکز حکومتی در شاهنامه
۷	مرکز حکومت پیشدیان
۸	حیات کیومرث در کوه
۸	نخستین اقدامات شهرسازی در دوره تهماسب
۹	پارس مرکز شاهان پیشدادی
۱۲	پارس مرکز حکومت کیانیان
۱۴	مرکز حکومت اشکانیان
۱۵	مرکز حکومت ساسانیان
۱۵	اصطخر
۱۶	مدائن
۱۹	۲. خراسان و توابع آن در شاهنامه
۱۹	خراسان در شاهنامه
۲۱	بلخ و توابع آن در شاهنامه
۲۲	نوبهار
۲۳	گوزگانان
۲۳	فاریاب
۲۳	طالقان
۲۴	اندرآب
۲۴	بدخشان
۲۵	پنجهر
۲۵	سپیدکوه
۲۵	بامیان
۲۶	طخارستان

۲۶	سمنگان
۲۷	نیشابور
۲۸	توابع نیشابور در شاهنامه
۲۸	تسا / فیروز
۲۹	باورد / ابیورد
۲۹	سرخس
۲۹	طوس
۳۰	چشمه سو
۳۱	رود شها / دریای شهد
۳۲	کنابد
۳۲	نوند
۳۳	زبید
۳۳	کشمیر / کاشمیر
۳۴	مرو
۳۴	مرو یا مرو شاهجان
۳۴	زم
۳۴	کاسه رود / کشف رود
۳۵	گروگرد
۳۶	هرات
۳۶	کروشان / کروخ
۳۷	درغرجگان
۳۷	مرو رود
۳۹	۳. سرزمین سند، هند و مکران در شاهنامه
۳۹	سرزمین سند در شاهنامه
۴۰	رود سند / دریای قنوج
۴۱	هند
۴۳	کشمیر
۴۳	دنبر / دنور
۴۳	مای و مرغ
۴۴	رود گنگ
۴۵	قنوج
۴۵	قندهار
۴۶	مکران

۴۶	تیز
۴۹	۴. سرزمین زابل، سیستان و کرمان در شاهنامه
۴۹	زابل
۴۹	غزنه / غزنین
۵۰	کابل
۵۰	افغانستان
۵۰	سیستان
۵۱	بست
۵۲	رودخانه سیستان / یرمند
۵۳	داور
۵۳	جز یا جزه
۵۳	شارستانی در سیستان
۵۴	آب زره
۵۵	کرمان
۵۶	قاف / کوچ
۵۶	بلوچ / بلوچ
۵۷	کجاران / دژ هفتواد
۵۹	۵. سرزمین فارس و خوزستان و توابع آن در شاهنامه
۵۹	فارس
۵۹	اصطخر
۶۰	شیراز
۶۰	دارابگرد
۶۱	ارجان / ارگان / ارغان
۶۲	خرهاردشیر / گور / جور
۶۲	جهرم
۶۳	برقوه
۶۴	دریای پارس
۶۵	سرزمین خوزستان
۶۶	اهواز
۶۷	گندشاپور / جندشاپور
۶۸	شوشتر
۶۸	خرمآباد
۶۹	نوشاد

۷۰	برکه اردشیر
۷۰	شارستانی در پارس
۷۱	شاپورگرد / شاپورخره / سوس / شوش
۷۱	عراق
۷۲	بغداد
۷۳	نهر وان
۷۳	طیسفون
۷۴	مداین
۷۵	کرخ بغداد
۷۵	ميسان
۷۵	بابل
۷۶	کوفه
۷۶	قادسی
۷۷	دجله / اروندرود
۷۸	فرات
۷۸	مصر
۷۹	اسکندریه بزرگ
۸۰	نیل
۸۵	۶. سرزمین جبال و توابع آن در شاهنامه
۸۵	جبال و معادلهای آن در شاهنامه
۸۵	عراق
۸۷	قهبستان / کهستان
۸۷	مدیا
۸۸	شهرهای منطقه جبال در شاهنامه
۸۹	اصفهان
۹۱	قم
۹۱	همدان
۹۲	ساوه
۹۲	حلوان
۹۳	ری
۹۴	خوار
۹۵	۷. ماوراءالنهر و توابع آن در شاهنامه

۹۵	هیتال
۹۶	چغان
۹۷	سومان / شومان
۹۷	بخارا
۹۸	آتشکده برد سور در بخارا یا آتشکده طواویس
۹۹	فرب
۱۰۰	بیکند / پیکند
۱۰۰	دریای بیکند
۱۰۱	گنگدژ سیاوش بخارا
۱۰۲	رویین دژ / بند
۱۰۳	مولیان
۱۰۳	سغد / صغد
۱۰۴	سمرقند
۱۰۵	نخشب
۱۰۵	کشانیه
۱۰۶	رود برک / سیحون / رود چاچ / گلزیون
۱۰۷	شاش / چاچ
۱۰۸	طراز
۱۰۸	خوارزم
۱۰۹	شگنان
۱۰۹	ترمذ / ترمذ
۱۱۰	اسفیجاب / اسپجاب
۱۱۱	ختلان / ختل
۱۱۱	ویسگرد
۱۱۲	ختن
۱۱۲	آموی
۱۱۵	۸ چین و ترکستان شرقی در شاهنامه
۱۱۵	چین در شاهنامه
۱۱۷	دریای چین
۱۱۸	ترکستان شرقی و توابع آن
۱۱۸	سرزمین تغزغر
۱۱۸	غز
۱۱۸	خلجستان

۱۱۹.....	خلخ
۱۱۹.....	سقلاب
۱۲۰.....	قچقارباشی
۱۲۱.....	چگل
۱۲۲.....	دریای کیماک
۱۲۵.....	۹. سرزمین دیلم و طبرستان و توابع آن در شاهنامه
۱۲۵.....	قومس
۱۲۵.....	دامغان
۱۲۶.....	دژ گنبدان
۱۲۶.....	گرگان
۱۲۸.....	طبرستان
۱۲۹.....	مازندران
۱۳۰.....	آمل
۱۳۱.....	کوه آمل / دماوند
۱۳۲.....	دهستان
۱۳۲.....	بسطام
۱۳۳.....	ساری
۱۳۳.....	تمیشه / بیشه نارون
۱۳۵.....	دیلمان و گیلان
۱۳۵.....	دریای گیلان
۱۳۷.....	۱۰. سرزمین خزر و روس
۱۳۷.....	خزر
۱۳۸.....	الان
۱۳۹.....	کوه قبق / کوه‌های قفقاز
۱۳۹.....	دریاد یا بابالایواب
۱۴۰.....	برطاس
۱۴۰.....	روس
۱۴۰.....	دریای قار / روس / نیطس / سیاه
۱۴۳.....	۱۱. سرزمین رخاب و توابع آن در شاهنامه
۱۴۳.....	آرمینیه / ارمنستان
۱۴۴.....	آران / ارجان
۱۴۵.....	ارمان: اران یا زرمان

۱۴۷	برودع
۱۴۸	شایران / شاوران
۱۴۸	آذرآبادگان
۱۴۹	آذرگشسب
۱۵۱	دریای چیچست
۱۵۲	اردبیل
۱۵۳	دشت دوک / دنک / دنق
۱۵۴	مغان
۱۵۷	۱۲. سرزمینهای روم، اندلس و شام در شاهنامه
۱۵۷	روم
۱۵۸	دریای روم
۱۵۹	یونان
۱۵۹	انطاکیه
۱۶۰	زیب خسرو / رومیه
۱۶۰	قالینوس
۱۶۱	التوینه
۱۶۲	قسططنیه
۱۶۲	عموریه
۱۶۳	کارستان
۱۶۳	وریغ
۱۶۴	میافارقین
۱۶۴	اندلس
۱۶۵	سوس
۱۶۵	سقیلا
۱۶۶	هروم / جزیره النساء
۱۶۶	شام
۱۶۷	سوریان
۱۶۸	حلب
۱۶۹	اردن
۱۶۹	غسانیان
۱۷۱	۱۳. سرزمینهای عربستان، حبشه، بربر و بحرین در شاهنامه
۱۷۱	عربستان / دشت سواران نیزهگذار

۱۷۲		یمن / حمیر / هاماوران
۱۷۳		جدّه
۱۷۴		حجاز
۱۷۴		مکه
۱۷۴		کعبه
۱۷۵		طایف
۱۷۵		عدن
۱۷۵		نصیبین
۱۷۶		باهله
۱۷۶		دریای قارم
۱۷۷		بربرستان
۱۷۸		حبش / حشه
۱۷۹		بحرین
۱۸۱		فهرست منابع و مآخذ
۱۸۷		پیوست (۱): فهرست اعلام جرافیا
۱۹۷		پیوست (۲): فهرست نقشه‌ها
۲۰۵		نمایه

پیشگفتار

شاهنامه فردوسی به اتفاق اکثر محققان تاریخ پیشینیان و سرگذشت ایران است؛ اما برای پژوهشگرانی که بخواهند با دیدی صرفاً تاریخی به مطالعه این اثر بپردازند؛ به خاطر آمیختگی آن با اسطوره و داستان‌های غیرواقعی‌نما، ضمن اینکه در دستیابی به شواهد کافی، با مشکل مواجه می‌شوند، ممکن است بر مطالعات آن‌ها هم خرده گرفته شود. درحالی‌که نه تنها تاریخ ایران؛ بلکه همه اقوام و ملل متمدن، مبادی تاریخشان مجهول و آمیخته با افسانه است؛ دانستن مدۀ آن هم این است که تاریخ‌نگاری در قدیم جنبه علمی نداشته و فاقد روش متدین بوده که مورخ با استفاده از آن مجهولات را معلوم کرده و جهت ارزیابی مطالب و منابع مورد آن استفاده کند.

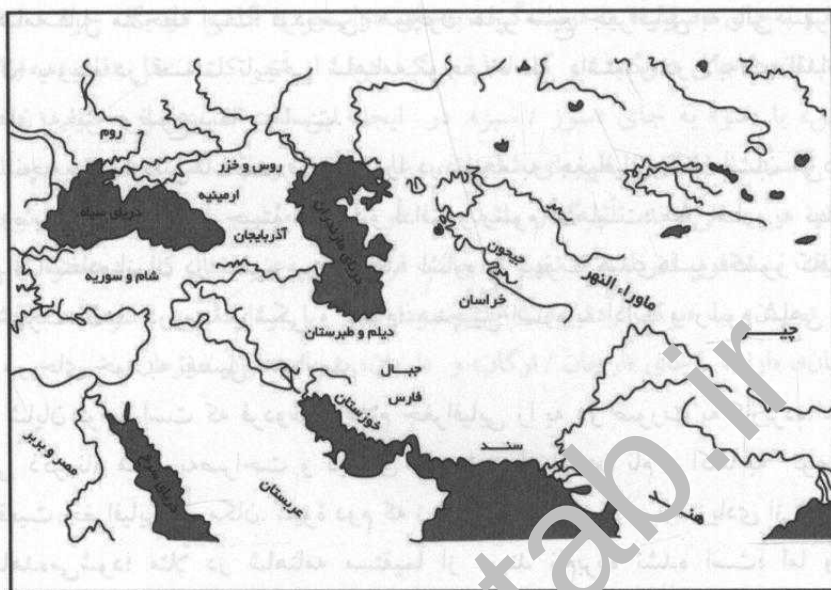
حوادث شاهنامه هم اگرچه آمیخته با اسطوره است؛ اما در لایه‌لای آن سیر آفرینش و تاریخ ایران مشاهده می‌شود؛ این ادعا با تطبیق منابع تاریخی معاصر شاهنامه با این اثر کاملاً به اثبات می‌رسد؛ هرچند باید به این مسئله توجه کرد که فردوسی؛ مانند یعقوبی، طبری، ابن اثیر و سایر مورخان، هدفش صرفاً بیان حوادث تاریخ نیست؛ بلکه او می‌خواهد مضامین تاریخی را در قالب داستان، آن هم به زبان شعر رای مخاطب خویش بیان نماید. این ایجاب می‌کند که به عناصر داستان‌نویسی و تخیل در شعر هم توجه نماید و مهارت خود را در اجتماع واقعیت‌های تاریخی و تخیلات شاعرانه نشان دهد و اثری بیافریند که «تاریخ داستانی» به تمام معنا باشد.

از طرفی دیگر، بررسی حوادث تاریخی نشان داده‌است که این وقایع از اعلام و اشارات جغرافیایی جدا نیستند و بیان هر سیر تاریخی دربردارنده اشارات مختلف جغرافیایی؛ به‌ویژه اشاره به مکان و موقعیت‌های حادثه، است؛ پس به‌یقین شاهنامه هم در لایه‌لای حوادث؛ اعم از اسطوره، حماسه و تاریخ بیانگر مکان‌هایی است که بررسی دقیق آن‌ها و ارائه تصویری کلی از جغرافیای مکان‌های شاهنامه ضروری است؛ به

همین دلیل این کتاب قصد دارد به بررسی موقعیت جغرافیایی مکان‌های شاهنامه بپردازد.

هرچند تاکنون، تحقیقات مستقل دیگری هم در زمینه جغرافیای شاهنامه انجام شده است؛ مثل کتاب «مرزهای ایران و توران بر بنیاد شاهنامه فردوسی» از حسین شهیدی مازندرانی (۱۳۷۶) یا «جغرافیای شاهنامه از کیومرث تا کیخسرو» از حانیه بیرمی (۱۳۸۹) و کتاب «جغرافیای سیاسی شاهنامه» از ابوالفضل کاوندی‌کاتب (۱۳۹۴) و همه این منابع در جایگاه خود بسیار ارزنده هستند؛ اما برخی از آن‌ها تنها به معرفی مکان در بخش‌ها از شاهنامه پرداخته‌اند؛ درحالی‌که در این کتاب سعی شده تمام اعلام جغرافیایی بررسی و بر روی نقشه مشخص گردند و در برخی دیگر، بیشتر بر مفاهیم سیاسی و سیر تحول آن تأکید شده است؛ اما این مطالعه بیشتر بر شناساندن مکان‌ها و جایگاه آن‌ها در شاهنامه تأکید و تمرکز کرده است.

برای دستیابی به این هدف، پس از استخراج شواهدی که در شاهنامه به اعلام جغرافیایی یا موقعیتی اشاره کرده، به بررسی و تطبیق آن‌ها با متون جغرافیایی نویسندگانی؛ مانند: بلاذری، بیهقی، حموی، سیرافی، قدامت‌بن جعفر، قزوینی، کوفی، مسعودی، مقدسی، مهلبی، نرشسی، یعقوب بن خردادبه، ابن فقیه، ابن حوقل، اصطخری و ... پرداخته شده؛ تا صحت، تغییر و تحول این اعلام مشخص شود. در این بین برخی اعلام بودند که نام آن‌ها در منابع جغرافیایی یافت نشد و برای پیدا کردن آن‌ها به متون تاریخی که بیانگر واقعه و مکان آن بودند، مراجعه شد. در نهایت برای نشان دادن تصویر جامعی از اعلام جغرافیایی شاهنامه با الگوبرداری از تقسیم‌بندی کتاب «حدودالعالم» و اقتضای شواهد شاهنامه، شهرها زیرمجموعه مناطق خاصی طبقه‌بندی شده‌اند. این مناطق در نقشه زیر نشان داده شده‌اند و هر منطقه بر مبنای این کتاب بررسی شده است.



نقشه (۱): مناسبات شاهنامه فردوسی روی نقشه

چنان‌که مشاهده می‌شود در شاهنامه به مناطق مختلفی که امروزه زیرمجموعه سه قاره «آسیا، اروپا و آفریقا» است، اشاره شده هرچند این اشارات گاهی دقیق و گاهی کلی است؛ به‌عنوان مثال، از مناطقی؛ مانند چین، هند، روس و خزر در مقابل سایر مناطق به‌طور کلی سخن گفته شده - و حتی در مواردی از این اعلام تغییرات و اشتباهاتی مشاهده می‌شود؛ اما این موارد کم و انگشت‌شمارند و در بیشتر موارد نام و موقعیت مکان‌ها به‌درستی ذکر شده‌است.

علاوه‌بر کاربرد دقیق بیشتر اعلام جغرافیایی، بررسی فاصله مکان‌های جغرافیایی شاهنامه نشان می‌دهد که فردوسی از فواصل این مکان‌ها هم مطلع بوده‌است؛ البته منظور تعیین فاصله بر اساس مقیاس دقیق نیست؛ بلکه وقتی یکی از شخصیت‌های شاهنامه از مکانی به مکانی می‌رود، در بیان شهرهایی که در این فواصل قرار دارند، دقت خاصی مشاهده می‌گردد؛ مثلاً در منابع جغرافیایی از طالقان تا فاریاب چهار منزل و میان آن با مرور سه مرحله بوده است، در شاهنامه هم سیاوش از هرات به طالقان و مرور و بعد به بلخ می‌آید یا کاووس برای استقبال کیخسرو ابتدا به طالقان و مرور می‌رود بعد نیشابور.

اشاره به ساخت شهرها و بانی آن‌ها هم یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که در

شاهنامه قابل ملاحظه است؛ فردوسی؛ همچون سایر منابع جغرافیایی به بانی شهرهای ایران؛ به ویژه در قسمت تاریخی شاهنامه توجه خاصی داشته و در لابه لای اقدامات شاهان به این موضوع پرداخته است.

آنچه بیش از اینها دقت فردوسی را در توجه به جغرافیای مکان نشان می دهد، اشاره به خصیصه های برجسته شهرها و آداب و رسوم آنهاست؛ مثلاً اشاره به نهنگان نیل و استفاده از آن در تصویر پردازی ها، اشاره به شهرت هندی ها به «کشور کافران» یا شهرت آنها در زمینه پزشکی و نجوم؛ همچنین اشاره به آداب و رسوم شاهی آنان که در جای خرد به تفصیل آمده است.

شایان توجه است که فردوسی اعلام جغرافیایی را به دو صورت به کار برده است: یکی ذکر نام مکان به صورت صراحت و دیگری خودداری از آوردن نام و اکتفا به توصیف موقعیت جغرافیایی مکان. شیوه دوم که زیاد رایج نیست، در موارد زیادی از شاهنامه مشاهده می شود؛ مثلاً در شاهنامه مستقیماً از دریند نام برده نشده است؛ اما وقتی «انوشیروان» از گرگان رسالت به آمل می رسد، به کوهی بلند برخورد می کند که از طبیعت آن بسیار لذت می برد و به خطر شکوه آنجا خدا را شکر می کند. فردی به او می گوید که اینجا از غارت ترکان در آمل نیست و از انوشیروان طلب یاری می کنند و او برای ممانعت از حمله دشمنان به آنان دستور می دهد که دیوار یا سدی بر آن بسازند. با استناد به منابع جغرافیایی این قوم یورشگر، «قم خزر» هستند و «باب الابواب / دریند» نام سدی است که برای ممانعت از آنها ساخته شده است یا هنگام بازگشت «کیخسرو» به ایران از آتشکده ای در بخارا بدون ذکر نام آن سخن گفته شده، که با توجه به اینکه از سغد به بخارا می آید و مستقیماً به آتشکده می رسد و با استناد به کتب جغرافیایی باید به شهر «طواویس» وارد شده باشد؛ همچنین در اقدامات شهرسازی «شاپور پسر اردشیر» به ساخت شهری در سیستان اشاره شده است که این شهر در منابع جغرافیایی «زرنج / زرنگ» سیستان است. به همین ترتیب، در جایی دیگر از شارستانی در پارس سخن گفته شده است که توسط شاپور بن اردشیر ساخته می شود و در تاریخنامه طبری نام این شهر «شادشاپور» است.

هرچند کاربرد بیشتر اعلام جغرافیایی در شاهنامه صحیح است؛ اما در نام برخی از مکان ها تغییراتی هم مشاهده می شود؛ این تغییرات به شیوه های مختلفی ایجاد شده؛ گاهی نام مکان کاملاً تغییر نموده است؛ مثلاً کاربرد «زیب خسرو» به جای «رومیه» و «کارستان» به جای «رقه و یرموک»؛ گاهی در دو حرف، این تغییرات اتفاق می افتد؛ مثلاً

«سقیلا» به جای «صقلیه» یا «ویسه گرد» به جای «واشجرد»؛ گاهی در یک حرف؛ مثلاً: «دژگنبدان» به جای «دوگنبد» و گاه حذف یک حرف از آخر کلمه مثل «قاف» به جای «قافص» یا «سو» به جای «سوز / سبز». در ایجاد این تغییرات عوامل مختلفی؛ مانند ایجاد تناسب با فضای اسطوره‌ای شاهنامه، رعایت وزن، رعایت امانت در منابع اصلی شاهنامه و ... می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ اما در برخی موارد، به نظر می‌رسد نوعی تصحیف نسخه‌نویسان باشد تا تغییر از جانب فردوسی؛ به عنوان مثال کاربرد «حلوان» به جای «حران» یا «برکه اردشیر» به جای «بوژاردشیر» یا «سومان» به جای «شومان»، «ارن» به جای «ارجان / ارگان» و «ارمان» به جای «اران / زرمان».